

بررسی ساختار عبارات استعاری بدن‌مند کودک فارسی زبان (۳ تا ۵ ساله) بر مبنای نقش عوامل جامعه‌شناختی زبان

سعیده شجاع رضوی*

چکیده

پژوهش حاضر سعی دارد به منظور دستیابی به میزان تاثیر نقش عوامل اجتماعی زبان، درک و کاربرد استعاری بدن‌مند را با توجه به سه مشخصه‌ی سن، جنس و طبقات اجتماعی در میان کودکان ۳ تا ۵ ساله‌ی فارسی زبان بررسی نماید. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش ۳۶۰ کودک دختر و پسر ۳ تا ۵ ساله‌ی فارسی‌زبان از مناطق یک، چهار و بیست تهران در سه گروه آزمونی در شرایط آزمونی یکسان قرار گرفتند. آزمون خودساخته‌ای بر مبنای تکمیل عبارات استعاری جاخالی و پژوهش پیکال (۲۰۰۳) صورت گرفت که به وسیله‌ی ضریب آلفای کرونباخ پایایی آن مورد تایید است. با تکمیل پرسشنامه‌ی پژوهش حاضر مشخص شد که بیشترین بسامد درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند کودکان ابتدا مربوط به حواس بینایی و چشایی و پس از آن بساوازی، بویایی و در نهایت شنوایی می باشد، علاوه بر آن مشخصه‌های سن، جنس و طبقه‌ی اجتماعی تفاوت معناداری در درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند کودکان پدید آورده است. عبارات استعاری بدن‌مند در هر گروه اجتماعی بر اساس نوع شناخت کودکان از بدن و محیط زندگی آنان متفاوت می‌باشد. به عبارتی در این پژوهش نشان داده شد عوامل شناختی کودکان و درک استعاری آنان با شناخت اجتماعی شان رابطه‌ای مستقیم دارد.

* استادیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، saeedeshojarazavi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

کلیدواژه‌ها: استعاره‌ی بدن‌مند، زبان‌شناسی شناختی، زبان‌شناسی اجتماعی، کودک فارسی زبان، زبان آموزی

۱. مقدمه

از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی چگونگی تعامل فرد با محیط در مفهوم‌سازی‌های استعاری او دخیل است. از آنجایی که عبارات استعاری بدن‌مند برای کودکان پایگاهی شناختی محسوب می‌شود و بنیادی مفهومی دارد و از طریق آن تجارب شخصی، زبانی، محیطی و اجتماعی افراد به یکدیگر منتقل می‌شود، تحلیل و بررسی عبارات استعاری بدن‌مند می‌تواند در شناسایی دانش زبانی کودک و چگونگی تعامل این دانش زبانی با محیط مؤثر باشد.

در بررسی‌های زبان‌شناسی شناختی نقش بدن در شکل‌گیری نگاهت‌های استعاری به‌عنوان قلمرو مبدأ قابل‌طرح و بررسی است. از سوی دیگر مفهوم بدن تا حد زیادی به مفهوم‌سازی‌های فرهنگی متکی است. این مفهوم‌سازی‌ها از تعاملات بین اعضاء یک گروه اجتماعی شکل می‌گیرد. تأثیرات دوگانه محیط و فرد در گفتار کودکان نیز قابل‌طرح و شناسایی است. کودکان مانند بزرگسالان از یک‌سو از دانش جمعی مفهوم‌سازی‌های اجتماعی بهره می‌برند، از سوی دیگر، خود دارای دانش فردی و بدن‌مند می‌باشند و در ساخت عبارات استعاری از این دانش بر اساس محیط و تجارب فردی استفاده می‌کنند.

این مطالعه جهت بررسی پاره‌ای از تفاوت‌های زبانی-اجتماعی کودکان در سه گروه آزمونی با مشخصه‌های جامعه شناختی زبان اعم از سن، جنس و طبقه‌ی اجتماعی انجام شده است. در این پژوهش به این پرسش‌ها پرداخته می‌شود:

۱. انواع استعاره‌های بدن‌مند کاربردی کودکان کدام است؟

۲. عوامل اجتماعی نظیر سن، جنس و طبقات اجتماعی چه تاثیری می‌تواند در شناخت کودکان از محیط داشته باشد و چگونه می‌تواند درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند آنان را تحت تاثیر قرار دهد؟

فرضیه‌های این پژوهش عبارت است از:

۱- انواع عبارات استعاری بدن‌مند در کلام کودکان فارسی زبان ۳ تا ۵ ساله ظاهر می‌شود و آنان به خوبی این عبارات را درک و به کار می‌برند.

۲- عوامل اجتماعی نظیر سن، جنس و طبقات اجتماعی می‌تواند در شناخت کودکان موثر است و می‌تواند درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند آنان را تحت تاثیر قرار دهد به عبارتی عوامل جامعه‌شناسی زبان از قبیل سن، جنس و طبقات اجتماعی از عوامل موثر در گزینش و تنوع کاربردی عبارات استعاری بدن‌مند کودکان فارسی زبان می‌باشد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

در ایران آثار پژوهشی در حوزه‌ی درک و کاربرد استعاری بر اساس شاخصه‌ی اجتماعی این پژوهش صورت نگرفته است اما پژوهش‌هایی در زمینه‌ی درک استعاری کودک و شاخص سن موجود است که عبارتند از: رنگین کمان (۱۳۸۶) در پایان‌نامه‌ی خود، فراگیری استعاره در کودکان پیش دبستانی را مورد بررسی قرار داده است. آزمودنی‌های این پژوهش، ۱۰ کودک در سنین ۴، ۵ و ۶ سال بودند. داده‌های این پژوهش به سه روش ارتباط دادن تصاویر با مفهوم استعاری، بررسی شعرهای کودکان در کودستان و داستان‌گویی به کودکان در قالب تصاویر، جمع‌آوری شد. نتایج به دست آمده نشان داد، کودکان در سنین پیش از دبستان قادر به فهم مفاهیم استعاری هستند و این توانایی با بالا رفتن سن افزایش می‌یابد. کودکان ابتدا با مفاهیمی آشنا می‌شوند که جنبه‌ی ملموس‌تری دارند و سپس استعاره‌های انتزاعی‌تر شکل می‌گیرند. یافته‌های این بررسی بیان داشت که استعاره‌ی هستی‌شناختی، استعاره‌ی حرکتی و استعاره‌ی ساختی به ترتیب ملموس‌ترین استعاره‌ها برای کودکان هستند. شواهدی برای درک شباهت بین جفت مقوله‌های مختلف و نیز تعداد محدودی تشبیه در برخی از مطالعات پیشین درباره‌ی رشد زبان و گفتار کودکان فارسی‌زبان، از جمله در داده‌های موجود در پژوهش قناد (۱۳۸۷) وجود دارد که نشان می‌دهد برخی از کودکان در اواخر ۲۳ ماهگی و نیز در ۲۴ ماهگی وجوه شباهت بین دو مقوله‌ی مختلف را نه تنها تشخیص می‌دهند و درک می‌کنند، بلکه درباره‌ی آن‌ها حرف می‌زنند. این مورد در کودک ۲۳ ماهه یکی از نگارندگان نیز به دفعات ملاحظه شد.

بررسی دیگر مربوط به پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد قنبری (۱۳۹۱) از دانشگاه آزاد اسلامی است. با عنوان بررسی معنا‌شناختی استعاره‌ی زمان در داستان‌های کودک به زبان فارسی (گروه‌های سنی الف، ب، ج) این پژوهش به بررسی وجود و کیفیت استعاره‌ی مفهومی (گذر زمان به مثابه حرکت در مکان) در قصه‌های کودکان گروه‌های سنی (الف، ب، ج) در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی بر اساس نظریه‌ی استعاره‌ی لیکاف پرداخته است.

پژوهش دیگر مربوط است به صادقی (۱۳۹۲) با عنوان فرایند رشد درک شناختی در کودکان ۶-۸ ساله فارسی‌زبان که در آن به توانایی درک استعاره در کودکان فارسی‌زبان در سه گروه سنی ۶-۷ و ۸ سال پرداخته است. در این پژوهش به منظور ارزیابی توانش استعاری کودکان، آزمودنی دو گزینه شامل ۳۶ جمله استعاری در قالب چهار زیرآزمون متشکل از استعاره‌های ادراکی - گزاره‌ای، روان‌شناختی - گزاره‌ای، ادراکی - تناسبی و روان‌شناختی - تناسبی را تدوین و اجرا کرده است. بر پایه نتایج این پژوهش کودکان در سنین پایین از توانایی اندکی در درک انواع استعاره برخوردارند و به موازات رشد سنی، تعقلی و گسترش دانش جهان‌شناختی، تفسیر و استنباط آنان از استعاره‌ها در روند تکوینی، متکامل‌تر و پرورده‌تر می‌گردد.

در پژوهش‌های غیر ایرانی نیز پژوهش‌های بسیاری در زمینه درک و کاربرد عبارات استعاری کودکان صورت گرفته است که مشخصه‌های سن و جنس نیز در آنها بررسی شده است اما طبقات اجتماعی و تفاوت‌های گفتاری در جنسیت مورد بررسی قرار نگرفته است. وسنیادو (S. Vosniadou) و ارتونی (A. Ortony) (۱۹۸۳) در پژوهشی از کودکان ۳ تا ۶ ساله خواستند تا جمله‌هایی را در قالب عبارت «الف مثل ... است» (رودخانه مثل ... است) را پر کنند. برای پرکردن عبارات، ۳ گزینه به کودکان داده شد و کودکان می‌بایست یکی از آنها را انتخاب می‌کردند و در جای خالی قرار می‌دادند. دو گزینه از آنها به‌نوعی به‌واژه‌ی موردنظر مربوط بود یکی از لحاظ لفظی و دیگری از لحاظ استعاری و عبارت سوم نامتعارف و نامربوط بود. نتیجه‌ی کلی این پژوهش آن بود که کودکان در سن ۳ سالگی متوجه مقایسه‌های غیرمتعارف و غیرطبیعی می‌شوند و آنها را کنار می‌گذارند. عامل سن در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. کودکان هر قدر سنشان بیشتر شود و تجربه‌ی بیشتری پیدا کنند، مقایسه از لحاظ توصیفی و ظاهری به سوی مبانی انتزاعی‌تر و مقوله‌ای‌تر حرکت می‌کند. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که این توانایی ناگهان ظهور نمی‌کند و باید به دنبال شکل‌گیری آن در سنین پایین‌تر بود. جانسون (۱۹۹۷) روند یادگیری استعاره را در کودکان مورد مطالعه قرار داد. وی سه دوره‌ی متمایز را برشمرد: مرحله‌ی نخست فقط منبع استعاره وجود دارد. مرحله‌ی دوم تجربه‌های مربوط به حوزه‌های منبع و هدف استعاره هر دو وجود دارد. کودکان در این مرحله واژه‌های حوزه‌ی منبع استعاره را با معنی هدف و دستور زبان آن به کار می‌برند. در مرحله سوم کودکان واژه‌ها را با توجه به وجود حوزه‌ی منبع آن به شیوه‌ی استعاری به کار می‌برند.

پژوهش دیگر مربوط به بیالکا- پیکال (۲۰۰۳) است. وی با در نظر گرفتن عبارات استعاری زبان ایرلندی کارت‌هایی حاوی تصاویر استعاری تهیه نمود و بر اساس آن از کودکان سه سال و سه ماه تا پنج سال و نه ماه مصاحبه‌ای جهت سنجش میزان درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند انجام داد. نتیجه پژوهش بیالکا- پیکال حاکی از آن است که کودکان از سه سال و سه ماهگی دارای درک عبارات استعاری بدن‌مند هستند و آن‌ها را به کار می‌برند. عامل سن و جنس در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. هرچه سن کودکان افزایش می‌یابد دارای درک و کاربرد بیشتری در عبارات استعاری بدن‌مند می‌باشند و عامل جنس تفاوت معنا داری در این پژوهش نداشته است. در پژوهش حاضر روند یادگیری استعاره در کودکان بر اساس عوامل اجتماعی و محیطی بررسی شد که از این منظر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۳. مفاهیم نظری

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در نظریه خود که آن را (نظریه معاصر استعاره) نامیده‌اند، بیان می‌دارند که استعاره امری تزئینی و یا مخصوص زبان ادب نیست، بلکه در اندیشه و عمل هر روز ما ساری و جاری است؛ بنابراین نظام مفهومی ما که بر اساس آن فکر و عمل می‌کنیم، ماهیتی اساساً مبتنی بر استعاره دارد. به باور لیکاف و جانسون بنیان استعاره درک و تجزیه یک چیز بر اساس چیز دیگر است. به باور آن‌ها استعاره اساساً روشی است که از طریق آن مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه، در قالب حوزه دیگری بیان می‌شود. به همین دلیل برای هر استعاره یک حوزه مبدأ (source) و یک حوزه مقصد (Target) در نظر می‌گیرند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۵-۳).

در مطالعات شناختی، استعاره به معنای عام کلمه به کار می‌رود و هر گونه تشبیه جزء مقوله استعاره به حساب می‌آید (قاسم زاده، ۱۳۹۴). دانشمندان سازوکار اصلی استعاره‌ها را بر اساس درک شباهت‌ها و مناسبات و نیز تفکر آنالوژیک یا تمثیلی توضیح می‌دهند (همان) و بیش‌گستری (Overextension) یکی از مهم‌ترین جنبه‌های یادگیری کلمات در پیش‌دبستانی‌هاست که به کودک امکان می‌دهد تا بیان‌های استعاری از خود نشان دهد (قاسم زاده، ۱۳۹۱). جایگاه دقیق و واقعی استعاره در زبان نیست، بلکه ما به طریقی یک حوزه ذهنی را (با استفاده از استعاره) بر مبنای حوزه دیگر مفهوم‌سازی می‌کنیم (لیکاف، ۱۹۹۳). در واقع، استعاره پدیده‌ای شناختی است زیرا انسان مجموعه‌ای از پدیده‌ها را با

توجه به مجموعه دیگری از پدیده‌ها درک می‌کند (لی ۲۰۰۱). در زبان‌شناسی شناختی، برخلاف دیدگاه سنتی، این امکان وجود دارد که استعاره را انگیزه بدانیم، یعنی اصطلاحات استعاری به صورت خودکار و براساس قوانین زیبا تولید می‌شوند و در عین حال با یک یا چند الگو در نظام مفهومی انطباق دارند (ایوانز و گرین ۲۰۰۶).

لیکاف و جانسون اساس نظریه بدن‌مندی ذهن و فلسفه‌ی واقعیت‌گرایی بدن‌مند را در کتاب‌های استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم (۱۹۸۰) و فلسفه‌ی بدن‌مند (۱۹۹۹) مطرح کردند. آنان معتقدند که معنا در تجربه حسی-حرکتی ما زمینه‌سازی شده است و معنای بدن‌مند از طریق عوامل مختلف ذهنی مانند استعاره، ایهام و گونه‌های مختلف مفهومی، موجب ساخت مفاهیم انتزاعی در ذهن ما می‌شود. گردی (۱۹۹۷) در تحقیقات خود نشان داد که صدها استعاره مفهومی به شیوه خودکار و نا آگاهانه در جریان تجربه‌های روزانه‌ی ما با دنیای خارج شکل می‌گیرد.

گردی (۱۹۹۷) اشاره می‌کند که استعاره‌های بدن‌مند استعاره‌های پایه یا بنیادی هستند. او متوجه شد که در سرتاسر دنیا صدها نمونه از این نوع استعاره‌های بنیادی وجود دارد. همه مردم از یک تن مشابه و اساساً محیط یادگیری و تاحدی تجربه‌های مشابه دوران کودکی مربوط به هر دو حوزه‌ی منبع و هدف استعاره‌ها بهره می‌گیرند. در نتیجه این تجربه‌ها، نگاشت‌های نورونی در حوزه استعاره‌ها به طور طبیعی و با تکیه به تجربه‌های روزانه دوران کودکی و به کار گرفتن آن‌ها در محیط خارج در ذهن شکل می‌گیرند.

با توجه به اهمیت رشد شناختی و ذهنی انسان در دوران کودکی، روان‌شناسان زبان سعی کرده‌اند توانایی درک استعاری کودک را از سنین پایین مورد ارزیابی قرار دهند. بیالکا-پیکال (۲۰۰۲) معتقد است استعاره‌هایی که بر اساس حواس انسان قابل شناسایی باشند، استعاره‌های بدن‌مند نامیده می‌شوند. او انواع استعاره‌های بدن‌مند را بر روی کودکان بر اساس شاخص سن مطالعه و آن‌ها را به پنج نوع تقسیم می‌نماید. رنگ، شکل، اندازه، حرکت (Motor - Sense) و لامسه (Touch). در پژوهش حاضر پنج استعاره بدن‌مند دیگر نیز به آن‌ها اضافه گردید و از کودکان پرسیده شد. این پنج استعاره بدن‌مند دیگر عبارت‌اند از: سرعت، مزه، بو، صدا و شیء. در این پژوهش علاوه بر شاخص سن دو شاخص جنس و طبقه‌ی اجتماعی نیز مورد بررسی قرار گرفت.

مدرسی مطرح می‌سازد که برخی از مهمترین عوامل غیر زبانی که در پیدایش گروه‌های زبانی موثر شناخته شده‌اند عبارتند از: منطقه جغرافیایی، طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت،

سن، تحصیلات، و... (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۴۰). بنابراین سه عامل سن، جنس و طبقه اجتماعی که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت، از عوامل اجتماعی موثر بر زبان است که بر زبان تاثیر می‌گذارد و در حیطه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. عامل سن در درک عبارات استعاری عاملی شناخته شده و قابل بررسی است که پژوهش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته است. ملزوف معتقد است که در دوسالگی کودکان به‌وضوح از تفاوت بین افکار در ذهن و شیء موجود در جهان آگاه‌اند و تفاوت بین خواسته‌های خود و دیگران را درک می‌کنند (ملزوف، ۱۹۹۹).

در پژوهش‌های موجود کودکان بالای ۴ سال مورد بررسی قرار گرفتند و فقط پژوهش پیکال (۲۰۰۳) است که بر روی کودکان ۳ سال و ۳ ماه صورت گرفته است. پژوهش پیش رونیز مانند پژوهش پیکال (۲۰۰۳) کودکان ۳ تا ۵ سال را مورد بررسی قرار داد زیرا درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند کودکان در آغاز زبان آموزی مورد نظر است. علاوه بر آن، تعداد استعاره‌های بدن‌مند در این پژوهش به نسبت پژوهش پیکال (۲۰۰۳) بیشتر است و سعی شد درک استعاری و کاربرد کودکان در ۵ حس آنان مورد بررسی قرار گیرد. یکی از عوامل اجتماعی دیگر موثر بر زبان، جنسیت است. از آنجا که جنسیت یکی از جنبه‌های اولیه‌ی هویت انسان است که از یکسو در تفاوت‌های زیست‌شناختی و از سوی دیگر در ساختار اجتماعی ریشه دارد، به همین منظور سعی شد در این پژوهش درک و کاربرد استعاری کودکان از بدو زبان آموزی با عامل جنسیت نیز مورد بررسی قرار گیرد.

طبقات اجتماعی با موقعیت اجتماعی اقتصادی که وابسته به عواملی چون شغل، میزان درآمد، محل سکونت و غیره است نیز نقش مهمی در ایجاد تفاوت‌های زبانی و شکل دادن به گونه‌های متفاوت اجتماعی زبان بازی می‌کند. به اعتقاد مدرسی (۱۳۶۸) طبقات اجتماعی گوناگون در هر جامعه، الگوهای رفتاری درون گروهی مشترک دارند. رفتار زبانی نیز به طور کلی بخشی از رفتار اجتماعی مصوب می‌باشد (همان: ۱۴۹). تحقیقات نشان داده است که طبقات اجتماعی بالاتر نسبت به رفتار زبانی خود حساسیت بیشتری دارند و به همین جهت گرایش بیشتری به استفاده از ویژگی‌های معتبر زبان را نشان می‌دهند اما طبقات اجتماعی پایین تر حساسیت به مراتب کمتری نسبت به رفتار زبانی خود دارند و در نتیجه ویژگی‌هایی که از اعتبار اجتماعی کمتری برخورداراند، در گفتار آنان بیشتر ظاهر می‌شود (همان: ۱۵۱). به همین سبب عوامل اجتماعی نیز در میزان درک و چگونگی کاربرد عبارات استعاری کودک فارسی زبان مورد بررسی قرار گرفت.

۴. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی در متغیرها، نتایج آماری تحلیل شد. به منظور دستیابی به دانش استعاری کودک فارسی زبان ۳۶۰ کودک از سه منطقه شهری شهر تهران در معرض پاسخگویی به عبارات جاخالی استعاری قرار گرفتند. نمونه‌گیری آزمودنی‌ها به صورت فردی و تک‌تک انجام پذیرفته است. جامعه‌ی آماری این پژوهش کودکان فارسی‌زبان مهدکودک‌های سه منطقه‌ی شهری شهر تهران، منطقه‌ی یک، منطقه‌ی چهار و منطقه‌ی بیست در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ و تعدادی نیز در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ می‌باشند. پیش از مصاحبه ابتدا از والدین خواسته شد که پرسشنامه‌ی سطح درآمد و میزان تحصیلات را تکمیل کنند. عبارات به کار برده‌ی کودکان ضبط و گردآوری شد و در مرحله‌ی آخر با کمک مشاور آماری به شیوه‌ی آمار توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

پنج حس بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و بساوایی اساس شکل‌گیری عبارات استعاری بدن‌مند این پژوهش می‌باشد. در پژوهش پیکال (۲۰۰۳) از پنج مشخصه‌ی رنگ، شکل، اندازه، حرکت و لامسه مربوط به دو حس بینایی و لامسه استفاده شد و میزان درک و کاربرد استعاره‌های بدن‌مند گفتار کودکان که وابسته به این حواس بودند مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش حاضر پنج مشخصه‌ی دیگر به آن‌ها اضافه شد که عبارتند از: رنگ، اندازه، تصویر، حرکت، سرعت و شیء (مربوط به حس بینایی)، بو (بویایی)، صدا (شنوایی)، لامسه (بساوایی) و مزه (چشایی). هر کدام از این ده مشخصه توسط دو عبارت جاخالی از کودکان پرسیده شد. به‌عنوان مثال مشخصه‌ی رنگ با دو عبارت جاخالی قرمز مثل... و سبز مثل... از کودکان پرسیده شد. عبارات جاخالی پرسیده شده از کودکان در جدول ۴-۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مشخصه‌ها و عبارات استعاری جاخالی

قرمز مثل ...	سبز مثل ...	۱- رنگ (بینایی)
ماکارونی مثل ...	کلاه به سر مثل ...	۲- تصویر (بینایی)

چاق مثل...	لاغر مثل ...	۳- اندازه (بینایی)
سریع مثل ...	آهسته مثل...	۴- سرعت (بینایی)
صدای بلند مثل...	صدای گرفته مثل...	۵- صدا (شنوایی)
بوی خوب مثل...	بوی بد مثل...	۶- بو (بوایی)
زبر مثل...	نرم مثل...	۷- لامسه (بساوایی)
تلخ مثل...	شیرین مثل...	۸- مزه (چشایی)
لرزان مثل...	صاف مثل...	۹- شکل (بینایی)
خزیدن مثل...	پریدن مثل ...	۱۰- حرکت (بینایی)

به همین روش آزمون جاخالی عبارات استعاری بدن مند تهیه گردید و کودکان فارسی زبان ۳ تا ۵ ساله بر اساس دانش زبانی خود آن را تکمیل نمودند. حجم نمونه این پژوهش ۳۶۰ کودک فارسی زبان است با ضریب هوشی نرمال که از طریق آزمون استنفردبینه قبل از مصاحبه سنجیده شد. از هر منطقه شهری مورد آزمون، ۱۲۰ کودک در تکمیل پرسش نامه‌ی جاخالی شرکت داشتند که پس از مصاحبه‌ی حضوری و تکمیل پرسش نامه‌ی مورد نظر، پاسخ آنان مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۴-۲ نشانگر توزیع فراوانی کودکان بر اساس شاخص سن و جنس در هر منطقه می‌باشد.

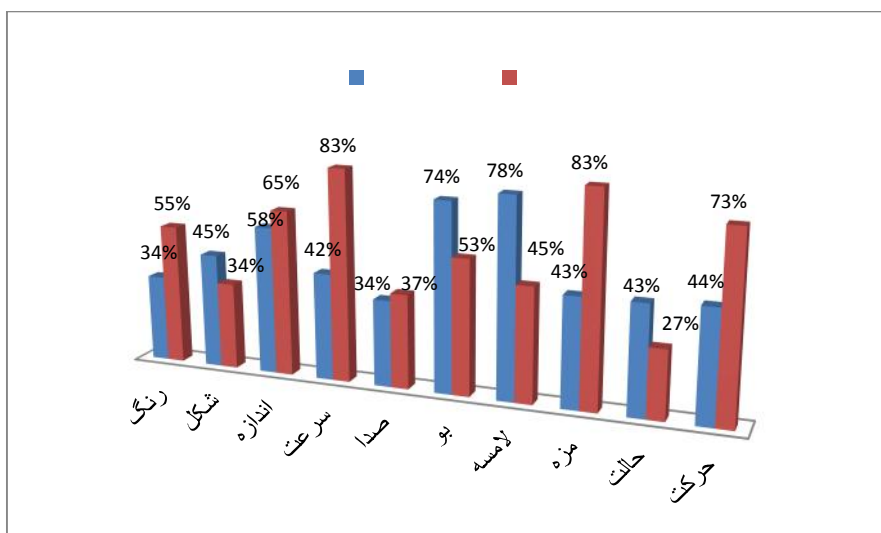
جدول ۲- توزیع فراوانی جنس و سن آزمودنی‌ها در هر منطقه

سن جنس	۳ ساله	۴ ساله	۵ ساله	جمع
دختر	۲۰	۲۰	۲۰	۶۰
پسر	۲۰	۲۰	۲۰	۶۰
جمع	۴۰	۴۰	۴۰	۱۲۰

۵. تحلیل داده‌های پژوهشی

۱.۵ جنسیت

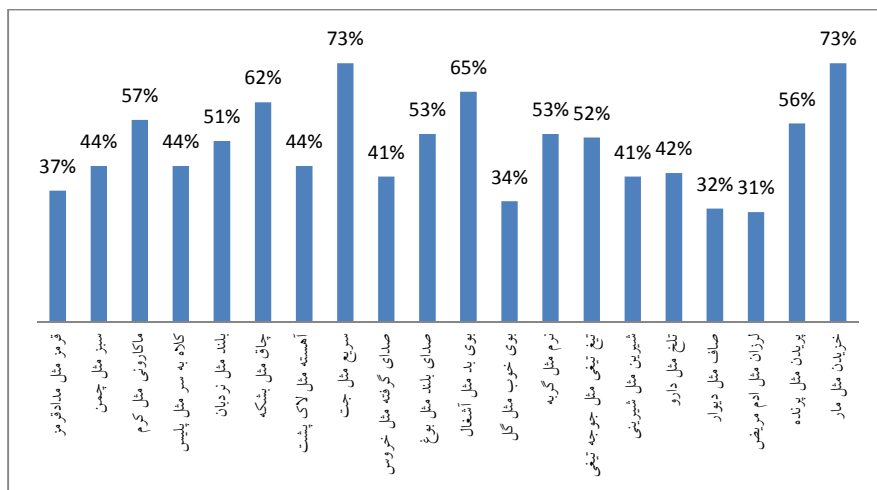
نخستین عامل موثر بر ساخت‌های متفاوت در عبارات استعاری بدن‌مند، جنسیت است. از مجموع ۳۶۰ کودک دختر و پسر مورد بررسی ۱۸۰ دختر و ۱۸۰ پسر به عبارات استعاری جاخالی پاسخ گفتند که پاسخ‌های درست و غلط آنان مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاصل از آن در کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند در جدول ۵-۱ آورده شد. منظور از پاسخ درست و غلط پاسخ‌هایی است که اگرچه در ذهن کودکان احتمالاً مابه‌ازاء خارجی دارد اما مصطلح و شناخته شده نیست. به عنوان مثال عبارت قرمز مثل دمپایی غلط (به دلیل اینکه مابه‌ازاء خارجی آن شخصی است و به کودک دمپایی قرمز نشان داده نشده‌است) و عبارت قرمز مثل ماهی قرمز درست در نظر گرفته شد.



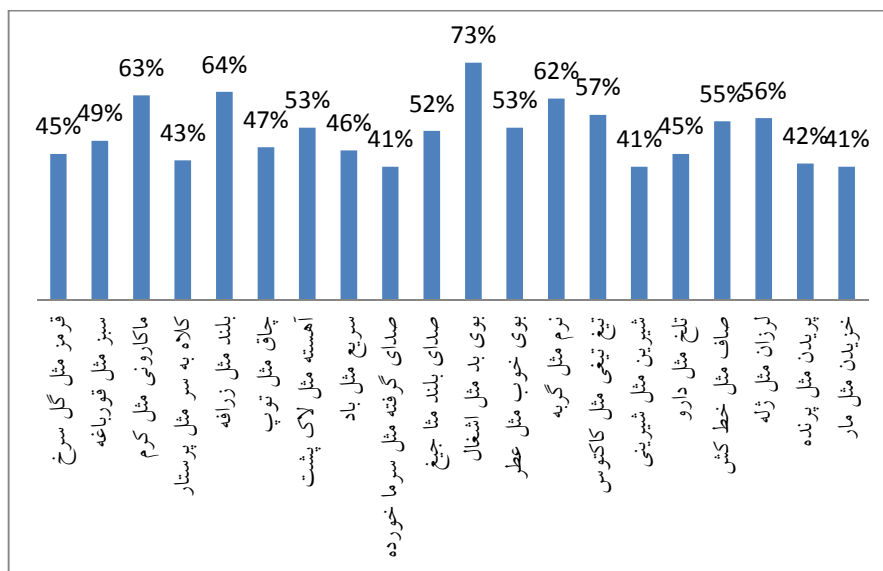
نمودار ۵-۱ کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند دختران و پسران نمودار

چنانچه قابل مشاهده است پاسخ‌های صحیح دختران در مشخصه‌های شکل، بو و لامسه به نسبت پسران درصد بیشتری را به خود اختصاص داده و پاسخ‌های صحیح پسران در مشخصه‌های حرکت، مزه، سرعت، اندازه و رنگ بیشتر از پاسخ‌های دختران می‌باشد که می‌تواند نشانگر تفاوت‌های شناختی و کلامی دختران و پسران در گروه‌های سنی مورد بررسی باشد. این تفاوت‌ها در بررسی عبارات به کاربرده دختران و پسران در تکمیل

عبارات جاخالی نیز ملموس تر و قابل بررسی است. نمودار ۲-۵ و ۳-۵ نشانگر تفاوت‌های گفتاری عبارات استعاری بدن مند دختران و پسران می‌باشد و عبارات پرکاربرد آنان نقل شده است.



نمودار ۲-۵ عبارات استعاری کاربردی پسران ۳ تا ۵ ساله‌ی فارسی زبان



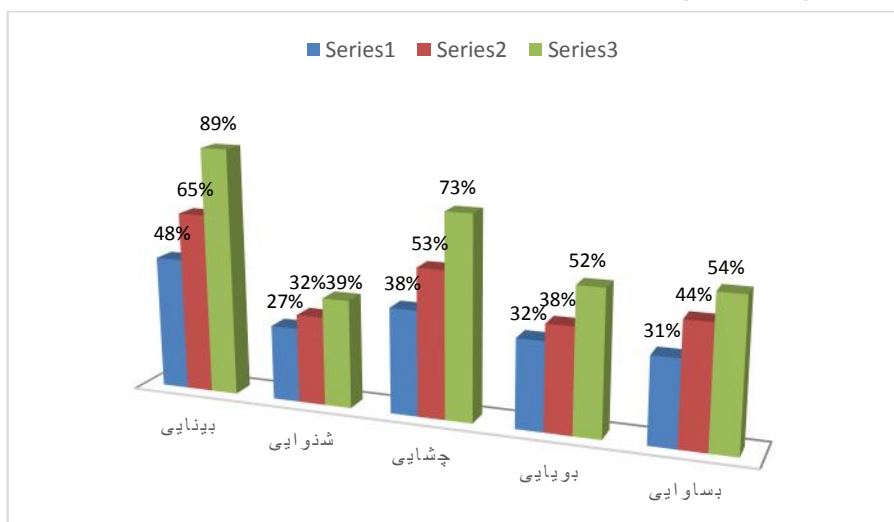
نمودار ۳-۵ عبارات استعاری کاربردی دختران ۳ تا ۵ ساله‌ی فارسی زبان

چنانچه قابل مشاهده است پاسخ‌های دختران و پسران در کاربرد عبارات استعاری دارای تفاوت‌هایی می‌باشند که نشانگر دانش زبانی و شناختی متفاوت آنان است. تفاوت‌های معنا دار در انتخاب عبارات استعاری بدن‌مند یا این همانی‌های استعاری گفتار دختران و پسران مورد بررسی را می‌توان در چند ساخت استعاری زیر که نمایانگر بیشترین اختلاف عوالم شناختی آنان است، مورد بررسی قرار داد. در مشخصه رنگ دختران قرمز را به وسیله گل سرخ و پسران به وسیله مداد قرمز توصیف می‌کنند. اگرچه شواهدی مانند قرمز مثل پرسپلیس در گفتار پسران و یا قرمز مثل آلبالو در گفتار دختران مشاهده شد که به دلیل بسامد کمتر در اینجا آورده نشد ولی این عبارات نیز نشانگر کاربرد این همانی‌های جنسیتی بر اساس دانش زبانی هر یک از دو گروه مورد بررسی می‌باشد. علاوه بر آن در مشخصه رنگ، پسران سبز را با زمین چمن یا چمن و دختران با قورباغه توصیف می‌کنند. در مشخصه اندازه پسران چاق را مثل بشکه و دختران مثل توپ می‌دانند و یا بلند را پسران مثل نردبان و دختران مثل زرافه می‌گویند. در مجموع می‌توان گفت تفاوت‌های گفتاری بسیاری در کلام دختران و پسران مشاهده می‌شود که همگی برگرفته از عوالم شناختی و تاثیر پذیری کلام آنان از محیط است.

در اغلب موارد وقتی از پسری پرسیده می‌شد آیا تا به حال بشکه دیده‌ای پاسخ می‌داد «خیر ولی شنیده‌ام چاق مثل بشکه...» و یا دختری که بلند را با زرافه توصیف می‌کرد در پاسخ به اینکه آیا تا به حال زرافه دیده‌ای می‌گفت: «نه در کتاب دیده‌ام» و یا «شنیده‌ام». مسلماً نمی‌توان گفت دیده‌ها و شنیده‌های دختران و پسران با یکدیگر متفاوت است، اما می‌توان گفت هر کدام از آنان بر اساس علایق و انس با موضوعی آن را در عوالم شناختی خود وارد و سپس به کار می‌برند. پسران بلند را با نردبان مانوس‌تر می‌دانند تا با زرافه. صدای بلند را مثل بوغ و کلاه به سر را مثل پلیس بیان می‌کنند و دختران بلند را با زرافه، صدای بلند را مثل جیغ و کلاه به سر را پرستار می‌دانند. لازم به ذکر است که در برخی موارد دختران مصداق‌های بیشتر و متنوع‌تری در توصیف عبارت استعاری به کار برده‌اند، مانند: کلاه به سر مثل مهماندار هواپیما، آشپز و یا عبارت شیرین مثل نبات، کلوچه، باقلوا، قند و... و یا عبارت نرم مثل پتو، خرگوش، ابر و... که هر کدام مصداق درستی از عبارت مورد نظر است ولی به دلیل اختصاص دادن درصد کمی از داده‌ها در اینجا آورده نشد.

۲.۵ سن

یکی دیگر از عوامل مورد بررسی پژوهش حاضر، سن درک و کاربرد عبارات استعاری بدن مند در میان کودکان در سه گروه سنی سه، چهار و پنج سال می باشد. با بررسی و تحلیل پاسخ های داده شده به سوالات پرسشنامه ها تفاوت و اختلاف بارزی میان میزان درک و کاربرد عبارات استعاری بدن مند این سه گروه سنی مشاهده شد و چنانکه در نمودار (۴-۵) قابل مشاهده است، کودکان سه گروه سنی با سیری صعودی به پرسش ها پاسخ گفته اند. به این معنا که هر چه سن کودکان بالاتر رفته درصد پاسخ های صحیح آنان نیز بیشتر شده است. رنگ سبز نشانگر پاسخ های صحیح پنج ساله ها و رنگ قرمز و آبی به ترتیب پاسخ های صحیح کودکان چهار و سه ساله را نشان می دهد.



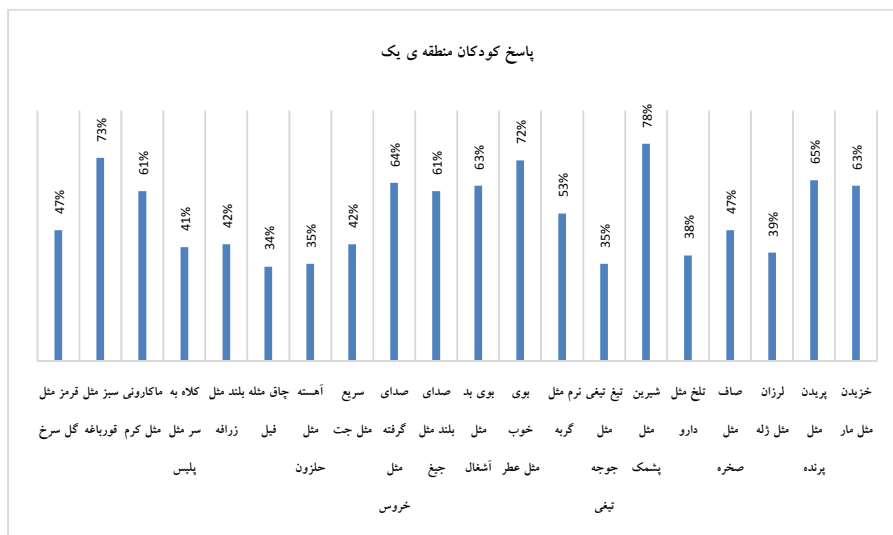
نمودار (۴-۵) درصد فراوانی پاسخ کودکان بر اساس شاخص سن

چنانچه قبلا نیز اشاره شد، کاربرد این عبارات در هر گروه سنی بنابر نوع شناخت آنها از جهان و دانش زبانی آنان متفاوت است و همراه با رشد شناختی و زبانی آنها کامل تر می شود. نتایج پژوهش حاضر چنانچه در نمودارهای سه رنگ بالا ذکر شد، رنگ سبز نشانگر پاسخ های صحیح پنج ساله ها و رنگ قرمز و آبی به ترتیب پاسخ های صحیح کودکان چهار و سه ساله را نشان می دهد. نمودارها حاکی از آن است که هر چه سن کودکان چهار و سه ساله را نشان می دهد. تفاوت موجود میان کودکان افزایش می یابد، درک و کاربرد استعاری کامل تری دارند.

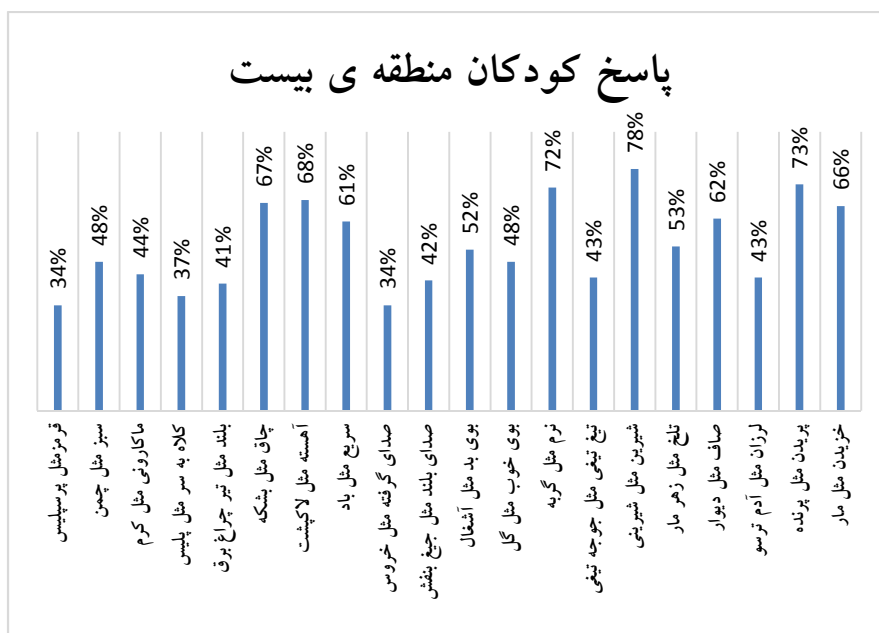
گروه‌های سنی مختلف و روند رو به رشد آن این فرضیه را تأیید می‌نماید که درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند با رشد سنی کودکان رابطه‌ای مستقیم دارد. با مشاهده‌ی نتایج این بررسی روند رو به رشدی در تمامی گروه‌های سنی قابل مشاهده است. در مجموع، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که کودکان در سنین حدود سه سالگی دارای درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند می‌باشند. درک بهتر استعاره‌ها نیازمند رشد شناختی بیشتر در سنین بالاتر می‌باشد. یافته‌های این پژوهش همسو با پژوهش‌های مشابهی است که در زبان انگلیسی و فارسی انجام شده است. با این تفاوت که سن آزمودنی‌ها در پژوهش حاضر به سه سال تقلیل یافت و علاوه بر آن این پژوهش مشخصاً به میزان درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند پرداخته است. مطالعات انجام‌شده توسط بیالکا-پیکال (۲۰۰۳)، گلغام و رنگین کمان (۱۳۸۶) و صادقی (۱۳۹۲) مؤید آن است که بین رشد سنی و شناختی کودکان ارتباط مستقیمی برقرار است.

۳.۵ طبقات اجتماعی

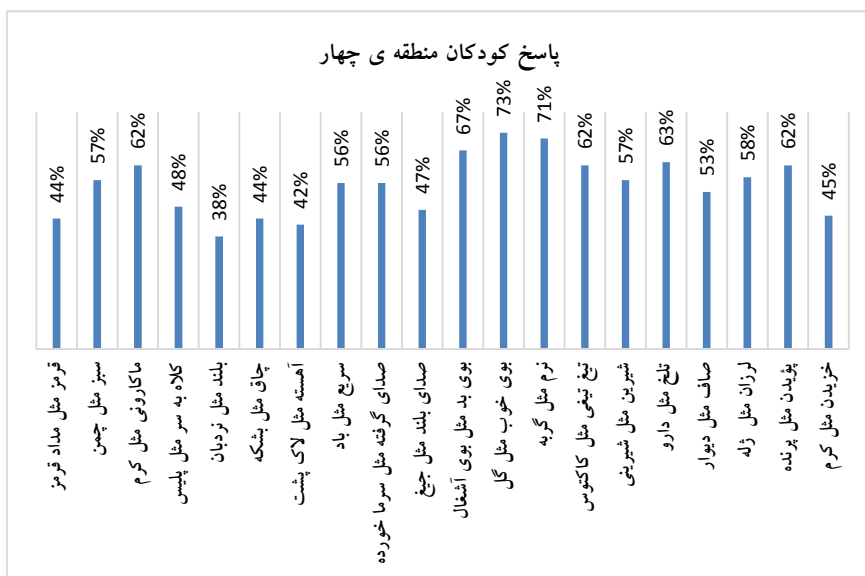
آخرین عامل معرفی شده موثر در گزینش و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند پژوهش حاضر، طبقات اجتماعی کودکان است که آنان را به سه گروه اجتماعی قابل بررسی تقسیم نموده است. پرسش شوندگان در سه گروه اجتماعی مرفه، متوسط و ضعیف بر اساس میزان درآمد خانواده و منطقه محل سکونت مورد بررسی قرار گرفتند. تفاوت‌های موجود در گفتار کودکان این سه گروه اجتماعی هریک به طور جداگانه مورد تحلیل و بررسی آماری قرار گرفت و در سه نمودار مجزا آورده شد. عبارات پرکاربرد این سه گروه نیز عیناً آورده شد تا اختلاف موجود در گفتار و کاربرد آنان به خوبی مشاهده شود.



نمودار ۵-۵ فراوانی پاسخ کودکان منطقه ۱



نمودار ۵-۶ فراوانی پاسخ کودکان منطقه ۲۰



نمودار ۵-۷ فراوانی پاسخ کودکان منطقه ۴

چنانچه قابل مشاهده است دختران و پسران منطقه یک با درصد بالایی لرزان را مثل ژله، سریع را مثل جت، چاق را مثل فیل و تیغ تیغی را مثل جوجه تیغی دانسته‌اند. با مطالعه عبارات پرکاربرد مورد بررسی مشاهده می‌شود که این کودکان شناخت بهتری از طبیعت دارند و همانندی‌ها را درانس با طبیعت فراگرفته‌اند. کتاب‌ها، فیلم‌ها و آنچه با آن در طول روز مواجه‌اند، شناخت بیشتری از طبیعت به آنان داده است به نحوی که همانندی‌ها را با آن مقایسه می‌کنند.

در گروه اجتماعی دوم که کودکان منطقه چهار (طبقه‌ی اجتماعی متوسط) مورد بررسی قرار گرفت، چنان‌که قابل مشاهده است، کودکان عباراتی مانند قرمز مثل مداد قرمز، سبز مثل چمن، بلند مثل نردبان را به کار برده‌اند. با مطالعه عبارات پرکاربرد گروه مورد بررسی مشاهده می‌شود که این کودکان برخلاف کودکان منطقه یک عبارات استعاری را با واژگان برگرفته از محیط اطراف خود پیوند می‌دهند و تصویرهای آرایه شده از عبارات استعاری آنان بسیار ملموس و عینی است. آنان شواهد را از زندگی روزمره خود و محیط اطراف می‌گیرند و با درصد بالایی نیز این عبارات را به کار می‌برند.

گروه اجتماعی سوم منطقه بیست تهران (کودکان طبقه اجتماعی ضعیف) می‌باشند. چنانچه قابل مشاهده است، این کودکان بیشتر عباراتی را به کار می‌برند که نه در طبیعت مشاهده می‌شود و نه در اطراف آنان مابه ازاء خارجی دارد. عباراتی مانند بلند مثل تیر چراغ برق، قرمز مثل پرسپولیس، تلخ مثل زهر مار یا صدای بلند مثل جیغ بنفش و... وقتی از آنان پرسیده می‌شود که از کجا می‌دانی زهر مار تلخ است یا تیر چراغ برق چیست؟ می‌گویند: «شنیده‌ام...» به عبارتی می‌توان گفت بیشتر کاربرد این همانی‌های آنان در عبارات برگرفته از کلام بزرگسالان است تا ساخته‌ی ذهن خود آنان.

۶. نتیجه‌گیری

- پژوهش حاضر ضمن تایید نظر گنتنر (۱۹۷۷) که معتقد بود در مصاحبه با کودکان می‌بایست از روش‌شناسی خاصی استفاده کرد تا اثر احتمالی عوامل ذهنی به‌غیراز استعاره‌پردازی به حداقل برسد، این مهم میسر شد تا کودکان به صورت ناخودآگاه درامر پرسش و پاسخ عبارات استعاری فعالیت کرده و عبارات جاخالی استعاری را به راحتی پرکنند. این امر نشان‌گر درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند از سن سه سالگی در میان کودکان فارسی زبان است و بر این اساس درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند کودک فارسی زبان ۳ تا ۵ ساله (فرضیه اول پژوهش) مورد تایید است.
- در شاخص اجتماعی جنسیت، پاسخ‌های صحیح دختران در مشخصه‌های شکل، بو و لامسه به نسبت پسران درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است و پاسخ‌های صحیح پسران در مشخصه‌های حرکت، مزه، سرعت، اندازه و رنگ بیشتر از پاسخ‌های دختران می‌باشد که می‌تواند نشانگر تفاوت‌های شناختی و کلامی دختران و پسران در گروه‌های سنی مورد بررسی باشد.
- در مشخصه سن با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان به این نکته اشاره کرد که کودکان به‌موازات افزایش سن از نظام مفهومی کامل‌تری برخوردار می‌شوند. رشد شناختی کودکان در پاسخگویی به انواع سؤالات مطرح‌شده عبارات استعاری بدن‌مند مؤثر است و کودکان به میزان رشد شناختی خود در گروه‌های سنی مختلف پاسخ‌های متفاوتی با بسامد آماری قابل توجه ارائه دادند. این پژوهش با مطالعات

انجام شده توسط گرژبونا (۲۰۰۷)، بیالکا-پیکال (۲۰۰۳)، گلفام و رنگین کمان (۱۳۸۶) و صادقی (۱۳۹۲) همسو می‌باشد.

- بیشترین بسامد درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند کودکان ابتدا مربوط به حواس بینایی و چشایی و پس از آن بساوایی، بویایی و در نهایت شنوایی می‌باشد.

- در شاخص طبقه‌ی اجتماعی چنانچه قابل مشاهده است، کودکان دارای تفاوت‌های کلامی در درک و کاربرد عبارات استعاری بدن‌مند می‌باشند. کودکان منطقی یک شناخت بهتری از طبیعت دارند و همانندی‌ها را درانس با طبیعت فراگرفته‌اند. به‌عنوان مثال سبز را با قورباغه و بلند را با زرافه توصیف می‌کنند. درحالی‌که کودکان گروه اجتماعی دوم یعنی کودکان منطقه چهار شهر تهران، عبارات استعاری را با واژگان برگرفته از محیط اطراف خود پیوند می‌دهند و همانندی‌ها را در ترکیب با محیط اطراف خود به کار می‌برند. به‌عنوان مثال بلند را با نردبان و قرمز را با مداد قرمز توصیف می‌کنند. گروه اجتماعی سوم که منطقه بیست تهران می‌باشند، بیشتر عبارات برگرفته از کلام بزرگسالان را به کار می‌برند. عباراتی مثل بلند مثل تیر چراغ‌برق، تلخ مثل زهرمار و ... که نشانگر تفاوت قابل توجه گفتار اجتماعی آنان با سایر کودکان می‌باشد.

- چنان‌که از نتایج قابل مشاهده است، عبارات استعاری بدن‌مند در هر گروه اجتماعی بر اساس نوع شناخت کودکان از بدن و محیط زندگی آنان متفاوت می‌باشد. بر این اساس فرضیه دوم پژوهش حاضر نیز مورد تایید است. به عبارتی در این پژوهش نشان داده شد عوامل شناختی کودکان و درک استعاری آنان با شناخت اجتماعی آنان رابطه‌ای مستقیم دارد.

کتاب‌نامه

- صادقی، شهلا (۱۳۹۲). «فرایند رشد درک شناختی در کودکان ۶ تا ۸ ساله فارسی‌زبان»، پایان‌نامه تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- قاسم‌زاده، حبیب‌اله (۱۳۹۴). «استعاره و پردازش استعاره‌ای»، خلاصه مقالات هفتمین سمپوزیوم نوروپسیکولوژی/ایران، ۵ تا ۷ دیماه، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- قناد، سهیل (۱۳۸۷). «بررسی خطاهای آوایی کودک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته آموزش زبان فارسی» دانشگاه پیام نور، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.

قاسم‌زاده، حبیب اله (۱۳۹۱). *استعاره و شناخت*. تهران، انتشارات کتاب ارجمند.
قنبری، زهرا (۱۳۹۱). «بررسی معنا شناختی استعاره زمان در داستان‌های کودک به زبان فارسی گروه‌های سنی الف، ب، ج» دانشگاه آزاد اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی.
گلفام، ارسلان و رنگین کمان، ف (۱۳۸۶). «فراگیری استعاره در کودکان پیش از دبستان» مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۷۰۸-۷۱۸.
مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
نیلی پور، رضا (۱۳۹۴). زبان‌شناسی شناختی، تهران: هرمس.

- Biyalka-Pikul Marta (2003). "Metaphors in preschool child thinking about the mind". *Psychology of Language and Communication* ; 7(2): 37-47.
- Bialeka-Pikul Marta (2002). "Co dzieci wiedza o umy le i my leniu. Badania i opis dzieciecej reprezentacji stanów mentalnych". Kraków: Wydawnictwo UJ. [Polish].
- Feldman, J (2006). *From Molecule to Metaphor: A Neural Theory of Language*. The MIT press.
- Gardy, J (1997). *Foundations of Meaning*. UC Berkeley Ph.D. Dissertation.
- Gentner, D. (1977). Children's performance on a spatial analogies task. *Child Development*, 48, 1034- 1039.
- Johanson, M. (1997). *Metaphor Vs, Conflation in the Acquisition of Polysemy: The Case of See*. In-Hirage et al
- Lakoff, G. & M. Johnson (1999). *Philosophy in the flesh: The embodied mind and its challenges to western thought*. New York: Basic books.
- Lakof, G & Johnson, M (1980). *Metaphors we live by*' Chicago: University of Chicago press.
- Meltzoff AN, Gopnik A, Repacholi BM Toddlers (1999). understanding of intentions, desires, and emotions: Explorations of the dark ages. PD
- Vosniadou, S & Ortony (1983). A, "the emergence of the literal metaphorical –anomalous distinction in young children". *Child Development*, 54, 154- 16,